

اظهار نظر کارشناسی درباره:

«لایحه موافقتنامه همکاریهای بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلامی افغانستان در عرصه مبارزه با مواد مخدر، جرایم سازمان‌یافته و تروریزم»

مقدمه

در راستای تضمین مؤثرتر امنیت و ثبات کشور در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی و دور نگه داشتن آن از گزند گروه‌های تبهکار سازمان‌یافته، به خصوص با توجه به روند فزاینده گسترش تهدیدهای نوین امنیتی در همسایگی جغرافیایی ایران و تشدید حضور نیروهای نظامی بیگانه در این منطقه، ضروری است که کشورهای منطقه به شکل متحد و هماهنگ و با به‌دست گرفتن ابتکار عمل، با این تهدیدها به مبارزه برخیزند. براین اساس این موافقتنامه بین دو کشور ایران و افغانستان که هر دو در مبارزه با این تهدیدها مؤثر و در عین حال آسیب‌پذیر هستند منعقد شده است.

الف) رویکرد سیاسی به موافقتنامه

با توجه به تحولات ژئواستراتژیک منطقه آسیای جنوب غربی، حضور فزاینده نیروهای نظامی بیگانه، تقویت و جابه‌جایی نقطه ثقل جریان تروریسم، تضعیف فزاینده توانمندی‌های حکومتی و امنیت‌سازی همسایگان شرقی ایران و در نهایت، رقابت شدید بین‌المللی برای حفظ و توسعه نفوذ مؤثر امنیتی و غیرامنیتی در این منطقه، لازم است جمهوری اسلامی ایران به این‌گونه موافقتنامه‌ها در چارچوب یک استراتژی کلان و به‌منظور پیشبرد بیشتر منافع ملی خود نگاه کند. از این رویکرد ابتدا باید به نکات زیر توجه کرد:

۱. بازیگران اصلی عرصه افغانستان، در وهله اول آمریکا و ایران هستند. در عین حال کشورهای دیگر از جمله پاکستان، عربستان، امارات، چین، روسیه، اروپا و ژاپن نیز وزن‌های متغیری در این رابطه دارند.

۲. نگاه آمریکا صرفاً معطوف به افغانستان نیست و در استراتژی اعلامی خود افغانستان و پاکستان را به‌عنوان یک کل واحد می‌نگرد.

۳. هدف غرب و به‌خصوص آمریکا جلب همکاری ایران در خصوص حل مشکلات خود در افغانستان در حوزه‌های غیرامنیتی و جلوگیری از حضور و نقش‌آفرینی ایران در امنیت‌سازی سخت و نرم این حوزه است. با توجه به این مسائل هدف کلان همکاری‌های دوجانبه بین دولتین ایران و افغانستان باید بسترسازی برای حضور ایران جهت کمک به تأمین امنیت در افغانستان باشد و به تبع آن امنیت مرزی دوطرف نیز میسر می‌شود. این واقعیت بدین دلیل است که ناامنی منطقه‌ای و مرزی این حوزه، درون‌زاست و از درون افغانستان برمی‌آید، لذا پرداختن به مشکل ناامنی بدون توجه به علت مسبب آن هدر دادن هزینه‌هاست. در این چارچوب هدف کوتاه‌مدت باید «تلاش جهت آموزش، تقویت و توسعه پلیس افغانستان» باشد. در عین حال باید به موارد و کاستی‌های زیر که لازم است در این موافقتنامه لحاظ شود نیز توجه ویژه کرد:

- لزوم همکاری جهت تقویت مرزها جهت مقابله با تردد آسان مجرمان: تاکنون این مسئله فقط یک‌طرفه و از جانب ایران بوده است و طرف افغانی اقدامی نکرده است،

- لزوم پرهیز طرفین از استقرار نیروهای خارجی در مرزهای دو کشور،

- انجام اقدامات مشترک یا هماهنگ علیه تبهکاران (به‌طور عام) در نواحی مرزی و در صورت لزوم ایجاد

یگان‌های مشترک مبارزه با تبهکاران تحت فرماندهی مشترک.

۴. باید توجه داشت که مرز ایران و افغانستان مرزی حساس با نقاط کور و بحرانی تاریخی است که در حال حاضر حضور نیروهای نظامی بیگانه در افغانستان نیز بر حساسیت آن افزوده است. همچنین برخی علائم مرزی علائم طبیعی بوده‌اند که در گذر زمان تغییر کرده‌اند مثل رودخانه‌هایی که به‌عنوان منطقه مرزی شناخته شده‌اند، ولی پس از سال‌ها مسیر حرکت آن عوض شده است. لذا لازم است قراردادهای سرحدی تحکیم یابند و در صورت لزوم اسناد جدید متناسب با شرایط جاری تدوین و علامت‌گذاری‌های مرزی تجدید شود.
۵. لزوم گنجاندن بندی در رابطه با همکاری در مبارزه با جابه‌جایی و انتقال اموال مسروقه.

ب) رویکرد حقوقی به موافقتنامه

۱. با اینکه موضوع موافقتنامه، مبارزه با سه گروه از جرایم به اصطلاح شدید است، اما قلمرو و نوع همکاری راجع به آن تخصیص نخورده و ظاهراً هر نوع اقدامی را امکان‌پذیر می‌سازد. حال آنکه شایسته بود از عناوین دقیق‌تری مانند «همکاری امنیتی» یا «معاضدت حقوقی - کیفری» استفاده می‌شد، به‌ویژه آنکه بیشتر اقدام‌های برشمرده صبغه حقوقی - قضایی دارند یا امور معین مربوط به آنها به‌شمار می‌آیند.
۲. درخصوص سه گروه جرم شدید تصریح شده در عنوان، ابتدا به‌نظر می‌رسد که این موافقتنامه تنها ناظر بر آنهاست، اما پس از مطالعه ماده (۱) باعنوان «زمینه‌های همکاری»، ملاحظه می‌شود عناوین دیگری که حتی لزوماً عنوان مجرمانه‌ای هم نمی‌توان برای آنها یافت، مشمول قلمرو ماهوی آن شده‌اند که این مسئله از لحاظ حقوقی ایراد دارد.
۳. نکته مهم دیگر درخصوص این سه عنوان مجرمانه، پشتوانه قانون کیفری داخلی آنهاست. در شرایط فعلی، کشور ما تنها راجع به جنبه‌های گوناگون مواد مخدر مستندات قانونی صریحی دارد، ولی درباره سایر عناوین برشمرده شده مستند قانونی صریحی نداریم. این در حالی است که ماده (۳) موافقتنامه دقیقاً این موضوع را مورد توجه قرار داده و شرط همکاری برای مبارزه با اعمال تروریستی را وجود قوانین مصرح کیفری دوجانبه دانسته تا اصطلاحاً شرط «جرم انگاری دوجانبه» رعایت شود.
۴. در ماده (۲)، «روش همکاری» تبیین شده تنها جنبه پلیسی - اطلاعاتی را دربر گرفته و صلاحیت و ظرفیت دستگاه قضایی طرفین را نادیده انگاشته است.
۵. ضرب‌الاجلی برای لازم‌الاجرا شدن موافقتنامه پیش‌بینی نشده است.

نتیجه‌گیری

انعقاد چنین موافقتنامه‌هایی از ضرورت‌های تأمین امنیت داخلی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران است. با این حال با توجه به فضای متحول ژئواستراتژیک منطقه آسیای جنوب غربی، لازم است نگاهی کلان و استراتژیک به این موافقتنامه‌ها به‌عنوان ابزارهای رسمی پیش‌برد منافع ملی نگریست. براین‌اساس باید به نقش ایران در آینده امنیت‌سازی نرم و سخت افغانستان و به‌خصوص آموزش پلیس این کشور توجه ویژه کرد و از این سنخ موافقتنامه‌ها در قبال پاکستان نیز بهره برد. به‌نظر می‌رسد که در تدوین این موافقتنامه توجه چندانی به منافع فراملی جمهوری اسلامی ایران نشده و جای خالی سیاست خارجی در آن حس می‌شود.

همچنین به لحاظ حقوقی لازم است به‌منظور بهره‌برداری کامل از ظرفیت‌های این موافقتنامه، اقداماتی از جمله تصویب کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی، تصویب قوانین کیفری درخصوص اقدام‌های مجرمانه سازمان‌یافته و تروریستی صورت گرفته و از گنجاندن رفتارهایی که مجرمیت آنها در قوانین داخلی رسمیت نیافته‌اند، خودداری شود.